



توسعه و افزایش تولید و در جهت پاسخ به مصرفی که رو به افزایش می‌رود، اقدام کنند و پیوسته دولت برای جبران عدم تناسب بین عرضه و تقاضای ایجاد شده در بازار این محصولات، از طریق نظام بانکی و پرداخت تسهیلات به آنها کمک می‌کند تا بتوانند این شکاف رو به افزایش را جبران کنند. مجدداً این بنگاه‌ها چون قیمت‌گذاری شده‌اند، نمی‌توانند از طریق فعالیت طبیعی خود به سود برسند و در نتیجه در بازپرداخت تسهیلاتی که می‌گیرند، ناتوانند و بانک‌ها را نیز دچار ناترازی می‌کنند؛ زیرا بانک‌ها در حال اعطای تسهیلاتی هستند که عمدتاً بازپرداخت نخواهند شد.

راهکار حل مشکلات تورمی و ناترازی‌ها چیست؟

اولین چیزی که در رابطه با کنترل ریشه‌های تورم به نظر می‌رسد این است که دیوار کوتاه بانک‌ها کمی بلندتر شده و مسیر سرریز ناترازی‌ها به بانک‌ها سخت‌تر و قاعده‌مندتر شود و از طرف دیگر، مسیر غیرتورم‌زایی برای دولت تعبیه شود تا هم بتواند تأمین رفاه از دست رفته مردم را جبران کند؛ چرا که کارکرد دولت به عنوان نهادی که وظیفه تأمین کالای عمومی را دارد ایجاب می‌کند که برای افزایش رفاه برنامه داشته باشد و از طرفی بتواند اصلاحات سخت مربوط به خود و کاهش کسری بودجه را آغاز کند. اگر می‌پذیریم که رفاه اجتماعی به عنوان یک کالای عمومی که تفکیک‌پذیر و رقابت‌پذیر نیست، در نتیجه دولت وظیفه دارد برای آن برنامه‌ریزی کند. از این رو باید مسیرهای غیرتورمی برای دولت ایجاد شود که دولت بتواند رفاه اجتماعی را از این طریق افزایش دهد.

بوده است. هرچند بعضی از سال‌ها به دلایل افزایش درآمدهای نفتی، ممکن است این مراجعه به بانک‌ها کمتر شده باشد اما به علت عدم استفاده از این درآمدهای نفتی در ایجاد زیرساخت و خرج کردن آن درآمدها برای مصارف و مخارج روزمره و واردات بی‌رویه، خود آن درآمدهای نفتی موجب بیماری هندی و به مرور زمان خودش موجب افزایش تورم شد.

با توجه به اینکه هر سال درآمدهای دولت کفاف هزینه‌های آن را نمی‌دهد و از طریق بانک‌ها کسری‌های خود را جبران می‌کند، بنابراین دولت در بازپرداخت بدهی‌های خود به نظام بانکی نیز ناتوان است که این یکی از عوامل برای افزایش ناترازی بانک‌هاست؛ چنانکه از بررسی صورت‌های مالی بانک‌ها مشاهده می‌شود که بزرگ‌ترین بدهکار بانکی، دولت و شرکت‌های دولتی هستند.

این روند در قبال صنایع مختلف اتفاق افتاده است؛ صنعت برق، صنعت گاز، بنزین، خودروسازی و... از جمله این موارد هستند که دولت به قصد حمایت از مردم و برای جبران کاهش رفاه اجتماعی به شیوه قیمت‌گذاری اقدام کرده که البته آنها را نیز با ناترازی مواجه کرده است و در مقابل، راهکار دولت برای جبران ناترازی‌های آنان نیز اعطای مجدد وام بانکی و خط اعتباری بوده است.

به این ترتیب، کارکرد اقتصادی این بنگاه‌ها دچار اختلال و عدم دستیابی آنها به سود می‌شود و کم‌کم حتی مدل فعالیت این بنگاه‌ها را نیز دچار مشکل می‌کند، بطوری که این بنگاه‌ها لحظه‌ای بدون حمایت دولت نمی‌توانند دوام بیاورند. از این رو، این بنگاه‌ها نمی‌توانند از طریق سرمایه‌گذاری از محل سود به دست آمده خود برای